

①

عبارت زیر با بیت کدام گزینه تناسب مفهومی دارد؟

«بعضی دیگر از بچه‌ها گوشه خلوتی یافته‌اند و گذشته خود را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند و وصیت‌نامه می‌نویسند.»

- ۱) وصیت می‌کنم جان را که هر دم بر سرش گردی / وصیت این کنم باری چو خواهیم کرد تسلیمش
- ۲) دل شب بس که در حساب خودند / هست روز حساب درویشان
- ۳) اگر از شکوه خاموشم نه خرسندی‌ست می‌خواهم / که در دیوان محشر مهر از این طومار بردارم
- ۴) فردای قیامت که حساب همه خواهند / خونین کفنان هیچ حساب از تو نخواهند

②

کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

ولی

 ۱) بسی گوشند و گویند از صفاتش
عاجز شوند از کنه ذاتش

که

 ۲) سخن ترسم که در توحید رانم
در تشبیه و در تعطیل مانم

که

 ۳) خداوند منزّه پاک و بی‌عیب
عالم را شهادت کرد از غیب

 ۴) هزاران قرن اگرچه علم خوانند
سزاوار صفاتش هم نخوانند

③

کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

ولی عاجز شوند از کنه ذاتش
که در تشبیه و در تعطیل مانم
که عالم را شهادت کرد از غیب
سزاوار صفاتش هم نخوانند

۱) بسی گوشند و گویند از صفاتش

۲) سخن ترسم که در توحید رانم

۳) خداوند منزّه پاک و بی‌عیب

۴) هزاران قرن اگرچه علم خوانند

۴

همه گزینه‌ها به لحاظ مفهوم با بیت زیر، تناسب و هماهنگی دارند به جز؛ ...

از ریشه بنای ظلم برگند»

«برکن ز بن این بنا که باید

- شاخ را بیخ پرورد داریم
- ظلم را در چه عدم جا کن
- عدل را دار در حمایت تیغ
- ستم بر ستم‌پیشه عدل است و داد

- ۱) ظلم شاخ است و بیخ آن ظالم
- ۲) عدل را رو به چرخ والا کن
- ۳) تیغ از ظالمان مدار دریغ
- ۴) جفاپیشگان را بده سر به باد

۵

کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

گاهی شود بهار دگرگه خزان شود»

«دوران روزگار به ما بگذرد بسی

- آمد ایام خزان تاراج با غم کرد و رفت
- حافظ شب هجران شد بوی خوش یار آمد
- که در مواعظ و پند است روزگار شفیق
- وقت طرب و موسم شادی دگر آمد

- ۱) از می وصلش دماغم بود باغ دلگشا
- ۲) فصل غم و محنت رفت ایام بهار آمد
- ۳) ببین خزان و بهار جهان و عبرت گیر
- ۴) ساقی تو کجایی که شد ایام غم هجر

۶

به ترتیب مفهوم متناسب و متضاد عبارت زیر در کدام ابیات دیده می‌شود؟

«معلم دور نبود صورتک به رو نداشت»

- زان که در هر کان درو در هر صدف دردانه نیست
- جمال نقش آدم را نقاب نفس شیطانی
- مشک هر چند که در پرده بود غماز (سخن چین) است
- اغیار همی بیند از آن بسته نقاب است
- ظاهری آرام دارد باطن طوفانیم

- الف) چشم صورت‌بین نبیند روی معنی را به خواب
- ب) مسازید از برای نام و دام و کام چون غولان
- ج) خامشی پرده اسرار حقیقت نشود
- د) معشوق عیان می‌گذرد بر تو ولیکن
- ه) من کویری خشکم اما ساحلی بارانیم

۴ الف، د

۳ ب، د

۲ الف، ج

۱ ب، ه

۷

کدام گزینه با مصراع اول بیت زیر تقابل مفهومی دارد؟

«ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد»

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) به هیچ مملکت و ملک این نبوده و نیست | به دست گرگ شبانی رها کند گله را |
| ۲) رهنان در صدد غارت و خوبان، غافل | گرگ بیدار ز هر گوشه و در خواب رمه |
| ۳) وزارت تو همی گفت عدل را بدرود | بلی کجا رمه ماند چو گرگ شد چوپان |
| ۴) آوازه عدلت ز کران تا به کران رفت | گرگ آمد و گردید سگ گله شبان را |

۸

موضوع همه ابیات در حوزه ادبیات غنایی قرار می‌گیرد، به‌جز ...

- | | |
|--|---|
| ۱) آن قطره باران بین از ابر چکیده | گشته سر هر برگ از آن قطره گهربار |
| ۲) من آن نیم که حلال از حرام نشناسم | شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام |
| ۳) پس از مرگ جوانان گل مماناد | پس از گل در چمن بلبل مخواناد |
| ۴) صبحگاهی می‌گرفتم عقد گیسویش به خواب | زان زمان دست خیالم تا به اکنون مشک‌بوست |

۹

مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دورتر است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) در حریم عشق نتوان زد دم از گفت و شنید | زان که آن‌جا جمله اعضا چشم باید بود و گوش |
| ۲) گورخانه راز تو چون دل شود | آن مرادت زودتر حاصل شود |
| ۳) سر سودای تو در سینه بماندی پنهان | چشم تردامن اگر فاش نکردی رازم |
| ۴) ما نعره به شب ز نیم و خاموشی | تا درنرود درون هر گوشه |

۱۰

مفهوم کدام بیت متفاوت با سایر ابیات است؟

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) عشق در صحبت میخانه به گفتار آید | زانکه در دیر و حرم محرم اسرارش نیست |
| ۲) نیست هر ناشسته‌رو شایسته اقبال عشق | مه کجا در دیده پروانه گیرد جای شمع؟ |
| ۳) خاقانی اگر چه عقل دست‌خوش توست | هم محرم عشق باش کانده‌کش توست |
| ۴) از زاهد فسرده نهنان است راه عشق | خوش وقت ما که محرم این راز بوده‌ایم |

۱۱

بیت: «تا عهد تو درستم، عهد همه بشکستم / بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها» با کدام بیت در تقابل معنایی است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند | تا ابد سرنکشد وز سر پیمان نرود |
| ۲) گر چه حافظ در رنجش زد و پیمان بشکست | لطف او بین که به لطف از در ما باز آمد |
| ۳) ما که پیمان وفا با سر زلفت بستیم | به وفای تو که هم بر سر آن پیمانیم |
| ۴) با سر زلف شکن در شکنش عهد مبند | که بدین واسطه ما بی سر و سامان شده ایم |

۱۲

بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند»

- | | |
|--|--|
| آن کنم با تو که باران با چمن | ۱) شاد باش و فارغ و ایمن که من |
| روزگاری است که این آمده و آن رفته است | ۲) تا غمت آمده از خانه دل جان رفته است |
| نوبت دل شادی است امروز سلمان غم مخور | ۳) روزگار غصه و دوران آمده در گذشت |
| که صلح او همه هزل است و جنگ او باد است | ۴) به صلح و جنگ جهان هیچ اعتماد مکن |

۱۳

مفهوم کدام بیت از عبارت «تا توانی از نیکی کردن میاسا.» دور است؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| که سود است از وی به هر دو سرای | ۱) یکی خوب مایه است نیکی به جای |
| نیکی نبود سزای بد کرداری | ۲) بد میکنی و نیک طمع می‌داری |
| ره رستگاری همین است و بس | ۳) به نیکی گران و میازار کس |
| که ایزد در بیابانت دهد باز | ۴) تو نیکی می‌کن و در دجله انداز |

۱۴

مفهوم عبارت «به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر مدار.» در کدام گزینه نیامده است؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| یکی بودبا آشکارم نهان | ۱) همی پهلوان بودم اندر جهان |
| هر چه گوید زبان بود بی کار | ۲) دل اگر با زبان نباشد یار |
| ای من غلام آن که دلش با زبان یکی است | ۳) خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده‌اند |
| نام زبان از چه بری سوی دل | ۴) دل چو درست است زبان را بهل |

۱۵

بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند»

- | | |
|--|--|
| آن کنم با تو که باران با چمن | ۱) شاد باش و فارغ و ایمن که من |
| روزگاری است که این آمده و آن رفته است | ۲) تا غمت آمده از خانه دل جان رفته است |
| نوبت دل شادی است امروز سلمان غم مخور | ۳) روزگار غصه و دوران آمده در گذشت |
| که صلح او همه هزل است و جنگ او باد است | ۴) به صلح و جنگ جهان هیچ اعتماد مکن |

۱۶

مفهوم کدام بیت از عبارت «تا توانی از نیکی کردن میاسا.» دور است؟

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| ۱) یکی خوب مایه است نیکی به جای | که سود است از وی به هر دو سرای |
| ۲) بد می‌کنی و نیک طمع می‌داری | نیکی نبود سزای بد کرداری |
| ۳) به نیکی گرای و میازار کس | ره رستگاری همین است و بس |
| ۴) تو نیکی می‌کن و در دجله انداز | که ایزد در بیابانت دهد باز |

۱۷

مفهوم عبارت «به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر مدار.» در کدام گزینه نیامده است؟

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) همی پهلوان بودم اندر جهان | یکی بود با آشکارم نهان |
| ۲) دل اگر با زبان نباشد یار | هر چه گوید زبان بود بی‌کار |
| ۳) خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده‌اند | ای من غلام آن که دلش با زبان یکی است |
| ۴) دل چو درست است زبان را بهل | نام زبان از چه بری سوی دل |

۱۸

بیت کدام گزینه مفهوم مشترکی با سایر ابیات ندارد؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد | گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود |
| ۲) جمله را رزاق روزی می‌دهد | قسمت هر یک به پیشش می‌نهد |
| ۳) نیز روزی با خدا زاری نکرد | یا ربی نامد ازو روزی به درد |
| ۴) گرم نیست روزی ز مهر کسان | خدای است رزاق و روزی‌رسان |

۱۹

کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- | | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) وصفش چه کنی که هرچه گویی | گویند مگو که بیش از آن است |
| ۲) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی | یقین دانم که بی‌شک جانِ جانی |
| ۳) نخواهم در این وصف از این بیش گفت | که شنعت (زشتی) بود سیرت خویش گفت |
| ۴) ز هر وصفی که کردم بیش از آنی | که وصف خویش کردن هم تو دانی |

۲۰

کدام بیت با مصراع دوم بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک»

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱) ملکت آل بنی‌آدم ندارد قیمتی | خاک ره باید شمردن دولت پرویز را |
| ۲) ای همه هستی ز تو پیدا شده | خاک ضعیف از تو توانا شده |
| ۳) با پاسبان کویش در خاک می‌رویم | هر چند فرق فرقد جای نشست ماست |
| ۴) صورت ار با تو نباشد گو مباش | خاک بر سر جسم را چون جان تو راست |

(۲۱)

بیت کدام گزینه مفهوم مشترکی با سایر ابیات ندارد؟

- (۱) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
 (۲) جمله را رزاق روزی می‌دهد
 (۳) نیز روزی با خدا زاری نکرد
 (۴) گرم نیست روزی ز مهر کسان
- گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود
 قسمت هر یک به پیشش می‌نهد
 یا ربی نامد ازو روزی به درد
 خدای است رزاق و روزی‌رسان

(۲۲)

کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- (۱) وصفش چه کنی که هرچه گویی
 (۲) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
 (۳) نخواهم در این وصف از این بیش گفت
 (۴) ز هر وصفی که کردم بیش از آنی
- گویند مگو که بیش از آن است
 یقین دانم که بی‌شک جانِ جانی
 که شنعت (زشتی) بود سیرت خویش گفت
 که وصف خویش کردن هم تو دانی

(۲۳)

کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- (۱) چو شب‌نم بیفتاد مسکین و خرد
 (۲) به جایی که بدخواه خونی بود
 (۳) بلندیت باید تواضع‌گزین
 (۴) این حضرت آنان گرفتند صـدر
- به مهر آسمانش به عیوق برد
 تواضع نمودن زبونی بود
 که آن بام را نیست سلّم (نردبان) جز این
 که خود را فروتر نهادند قدر

(۲۴)

کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- (۱) چو شب‌نم بیفتاد مسکین و خرد
 (۲) به جایی که بدخواه خونی بود
 (۳) بلندیت باید تواضع‌گزین
 (۴) این حضرت آنان گرفتند صـدر
- به مهر آسمانش به عیوق برد
 تواضع نمودن زبونی بود
 که آن بام را نیست سلّم (نردبان) جز این
 که خود را فروتر نهادند قدر

(۲۵)

مفهوم بیت زیر را در کدام مصراع آشکار می‌بینیم؟

- «مقرر کرد هر کس را نصیبی مطلق از مبدا
 تویی رزاق هر پیدا و پنهان
 به حکم ظاهر و باطن قسیم فطرت اولاً»
 (۲) فتنه‌انگیز جهان غمزه‌جادوی تو بود
 (۴) گل از شوق تو خندان در بهار است
 پشت دیوار آن چه گویی هوش دار

۴۶

مفهوم بیت «الهی فضل خود را یار ما کن / ز رحمت یک نظر در کار ما کن» را در کدام بیت آشکار نمی‌بینیم؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| از رحمت تو کم نشود گر به فضل خویش | ۱ |
| دوران شرّ و فتنه و طوفان و حیرت است | ۲ |
| نوح عنایت توبه به کشتی مغفرت | ۳ |
| آلایشی که رفت به آب کرم بشوی | ۴ |
- | | |
|---------------------------------|--|
| منّت نهی و عفو کنی سیئات ما | |
| ظلمت حجاب راه شد از شش جهات ما | |
| سعیی کند مگر به خلاص و نجات ما | |
| تنزیه ذات پاک تو دارد نه ذات ما | |

۴۷

کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- | | |
|--------------------------|---|
| حق ز ادراک خلق مستور است | ۱ |
| ذره کی ظرف انبساط شود؟ | ۲ |
| با گرم‌های بی‌نهایت تو | ۳ |
| حق بود نزد بینش احرار | ۴ |
- | | |
|---------------------------|--|
| از مقام مقربان دور است | |
| حق محیط است، کی محاط شود؟ | |
| قطره، بحر است از عنایت تو | |
| محتجب از عقول چون ابصار | |

۴۸

مفهوم بیت زیر را در کدام مصراع آشکار می‌بینیم؟

- | | |
|--|---|
| «مقرر کرد هر کس را نصیبی مطلق از مبدا» | |
| تویی رزاق هر پیدا و پنهان | ۱ |
| پشت دیوار آن چه گویی هوش دار | ۳ |
- به حکم ظاهر و باطن قسیم فطرت اولاً»
- | | |
|-----------------------------------|---|
| فتنه‌انگیز جهان غمزه جادوی تو بود | ۲ |
| گل از شوق تو خندان در بهار است | ۴ |

۴۹

مفهوم بیت «الهی فضل خود را یار ما کن / ز رحمت یک نظر در کار ما کن» را در کدام بیت آشکار نمی‌بینیم؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| از رحمت تو کم نشود گر به فضل خویش | ۱ |
| دوران شرّ و فتنه و طوفان و حیرت است | ۲ |
| نوح عنایت توبه به کشتی مغفرت | ۳ |
| آلایشی که رفت به آب کرم بشوی | ۴ |
- | | |
|---------------------------------|--|
| منّت نهی و عفو کنی سیئات ما | |
| ظلمت حجاب راه شد از شش جهات ما | |
| سعیی کند مگر به خلاص و نجات ما | |
| تنزیه ذات پاک تو دارد نه ذات ما | |

۴۰

کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- | | |
|--------------------------|---|
| حق ز ادراک خلق مستور است | ۱ |
| ذره کی ظرف انبساط شود؟ | ۲ |
| با گرم‌های بی‌نهایت تو | ۳ |
| حق بود نزد بینش احرار | ۴ |
- | | |
|---------------------------|--|
| از مقام مقربان دور است | |
| حق محیط است، کی محاط شود؟ | |
| قطره، بحر است از عنایت تو | |
| محتجب از عقول چون ابصار | |

(۳۱)

مفهوم بیت کدام گزینه، با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

این سبب هم سنت پیغمبر است
چیست از تسلیم خود محبوب‌تر
با توکل زانوی اشتر ببند
از توکل در سبب کاهل مشو

۱) گفت آری گر توکل رهبر است
۲) نیست کسی از توکل خوب‌تر
۳) گفت پیغمبر به آواز بلند
۴) رمز الکاسب حبیب الله شنو

(۳۲)

کدام گزینه با عبارت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته و هر یک را در دیگری راه گشاده و تیمار آن را فراخور حکمت و بر حسب مصلحت بداشته.»

هم ز آغاز بر او بنگر و آهنگ مکن
در ایام بهاران درنبندد گلشن خود را
که از آغاز هر کار آخر آن کار می‌بینم
محنت فردا است نقد از عاقبت‌بینی مرا

۱) هر چه دانی که به انجام نیاری بردن
۲) ز چشم عاقبت‌بین، هر که امید ثمر دارد
۳) فریب دانه نتواند مرا در دام آوردن
۴) دیگران گر انتظار روز محشر می‌کشند

(۳۳)

مفهوم و مضمون بیت زیر، در کدام گزینه تکرار شده است؟

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

«ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

جز در حرم جانان پرواز نخواهند
عشق آمدنی بود نه آموختنی

۱) آنان که چو من بی پر و پروانه عشق‌اند
۲) ای بی خبر از سوخته و سوختنی

ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار

۳) صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق
خویش

هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی

۴) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است

(۳۴)

معادل مفاهیم کنایی «نابودی، قدرت انجام کار، مردگان، اظهار تأسف» بـیـتـرـتـیـبـیـبـی در کدام ابیات آمده است؟

الف) چو شیر خدا راند بر خصم تیغ / به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

ب) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

ج) آب رخ گل بریخت لاله رخسار تو / خرمن بلبل بسوخت زمزمه زار من

د) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد / هرگز نکرد یاد اسیران خاک را

۴) ج، ب، د، الف

۳) الف، ب، د، ج

۲) ب، ج، د، الف

۱) ج، ب، الف، د

(۴۵)

مفهوم کدام گزینه با بقیه مغایرت دارد؟

- ۱) از سروف (حوادث) روزگار ایمن بود هر سفله طبع / رنج دل باشد نصیب مردم والامنش
- ۲) مهر را خفاش، دشمن، شمع را پروانه، خصم / جهل را در دست تیغ و عقل را در پای خار
- ۳) پست است قدر سفله اگر خود کلاه جاه / بر اوج سلطنت زند از گردش زمان
- ۴) سفلگان جمله به کار اندر و من بیکارم / داس، شاهر (مشهور) شد و شمشیر یمانی به نیام (غلاف)

(۴۶)

مفهوم کدام گزینه با بقیه تناسب ندارد؟

- ۱) منغص (ناگوار) بود عیش آن تندرست / که باشد به پهلوی رنجور سست
- ۲) دریغ آمدم زان همه بوستان / تهی دست رفتن سوی دوستان
- ۳) یکی را به زندان بری، دوستان / کجا ماندش عیش در بوستان؟
- ۴) که مرد ارچه بر ساحل است ای رفیق / نیاساید و دوستانش غریق

(۴۷)

مفهوم کلی کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) پله افتادگی را سرفرازی در قفاست / چند روزی در زمین خاکساری دانه شو
- ۲) کسی کاو طریق تواضع رود / کند بر سریر (تخت) شرف سلطنت
- ۳) فکر صید خلق دارد زاهدان را گوشه‌گیر / خاکساری پرده تزویر باشد دام را
- ۴) هرکه پست بارگاه فقر نیست / در بلند دستگاہت، نرسدش

(۴۸)

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) این آرز، شوخگن کندت جامه / رو از قناعت آور صابون را
- ۲) سلامت با قناعت توآمانند / چو آرز اندر زمانه مهلکی نیست
- ۳) عزیز من در درویشی و قناعت زن / که خواری از طمع و عزت از قناعت زاد
- ۴) به از عدالت محض است بر عدوی تو ظلم / به از قناعت صرف است با ولای تو آرز

۳۹

مفهوم بیت «مرغ بریان به چشم مردم سیر / کم تر از برگ تره بر خوان است» با کدام گزینه قرابت دارد؟

چو بر اشتهای کسان

به پای خودت رفت باید به گور
۱) نان خوری

به رغبت به از مرغ

گرت نیم نان جو افتد به دست
۲) بریان خوری

خود اندک خوری، گرغم

ز بسیار خوردن شوی مرده دل
۳) جان خوری

ز افراط شهوت دوچندان

نه زان سان که چندان که مقدور توست
۴) خوری

۴۰

مفهوم کدام گزینه با بیت «وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم / دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم» تناسب دارد؟

۱) در میان خار و خارا گر تو همراه منی / گل بخوانم خار را، دیبا شمارم خاره را

۲) روی از کعبه مقصود نشاید پیچید / گر ره کعبه همه خار مگیلان دارد

۳) به جز اراده مرا نیست ساز و برگ سفر / به ساز و برگ چنین طی راه نتوانم

۴) ز خارزار قدم بر بساط گل دارم / مرا که برگ سفر در قدم توکل ریخت

۴۱

کدام گزینه با مفهوم بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق» در تقابل است؟

۱) زبان عشق خموشی است لب ز ناله ببند / که در طریق ادب عرض مدعا غلط است

۲) سینه چاکیم و خموشی ترجمان عجز ماست / ره ز لب بیرون نمی باشد فغان زخم را

۳) جوش عشق از لب من مهر خموشی برداشت / این نه بحری است که در حقه کند گردابش

۴) روشنگر جمعیت دل جهد خموشی است / نتوان چو حباب آینه بی ضبط نفس ریخت

۴۲

مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

۱) پشت احرار به پیش سفاها خم تا کی؟ / ظلم ضحاکان، در مملکت جم تا کی؟

۲) زین گونه که شد خوار و فرومایه هنر / از جهل پس افتاد به صد پایه هنر

۳) آسوده از زمانه نه عاقل نه جاهل است / جام مراد در کف هشیار و مست نیست

۴) دوری چنان نگون که ربایند گوی سبق / طفلان نی سوار ز مردان کارزار

۴۳

کدام بیت با سایر ابیات تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) در هوای کعبه اندر پا مغیلان شد حریر / بر دل عاشق ز جانان، ناوک خنجر لذیذ
- ۲) به دشت عشق ای یاران کدامین ابر می بارد / که غیر از درد و رنج و غم نمی بینم گیاهش را
- ۳) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد، سهل است بیابانها
- ۴) عشق می بازی طریق عاشقان باید سپرد / میل حج داری، بلای بحر و بر باید کشید

۴۴

همه ابیات با هم قرابت مفهومی دارند، به چیز ...

- | | |
|---|--|
| ۱) امید هست کهنه شود عشق تازه زور | ۱) خورشید پیر اگر به مه و سال می شود |
| ۲) عشق دیرین پرتوی دارد که بعد از سالها | ۲) داغهای کهنه را خورشید زاری کرده است |
| ۳) آسمان کهنه سیویی است ز میخانه عشق | ۳) بحر یک قطره تلخی است ز پیمانۀ عشق |
| ۴) کرد آخر صحبت یوسف زلیخا را جوان | ۴) بعد پیری عشق را عهد شباب دیگر است |

۴۵

با توجه به گزینه‌ها، مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|---|---|
| ۱) هر که دور از میهن خود در دیار غربت است | ۱) از برای شس سـرمۀ چـشـم است دیدار وطن |
| ۲) کی بود دور از وطن جـای مسافر را قرار | ۲) در چمن از چشم شبنم خواب راحت برده اند |
| ۳) تا دل پرخون تـواند شد ز غربت نامدار | ۳) چون عقیق از ساده لوحی در یمن باشد چرا؟ |
| ۴) نـدارد بـلـبـل مـا طـاقت نـاکـامی غربت | ۴) مـگـر رـحـمی کنند و با قفس سازند آزادش |

۴۶

مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به چیز ...

- | | |
|--|--|
| ۱) از ذکر تو غافل نشود هیچ جمادی | ۱) تسبیح بود در کف هر سنگ شراری |
| ۲) هر مرغ به دستانی در گلشن شاه آمد | ۲) بلبل به نواسازی حافظ به غزل گویی |
| ۳) بنفشه در رکوع آمد چو سنبل در خشوع آمد | ۳) چو نرگس چشمکش می زد که وقت اعتبار آمد |
| ۴) مرغابی سرخاب که در آب نشیند | ۴) گوید که خدایی و سزایی تو جهان را |

۴۷

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- | | |
|--|---|
| ۱) قطره شد سیلاب و واصل شد به دریای محیط | ۱) تا به کی باشند این بی حاصلان از هم جدا |
| ۲) دوام عشق اگر خواهی، مکن با وصل آمیزش | ۲) که آب زندگی هم می کند خاموش آتش را |
| ۳) این ما و من نتیجه بیگانگی بود | ۳) صد دل به یکدگر چو شود آشنا یکی است |
| ۴) اتفاق رهروان با هم دعای جوشن است | ۴) در بیابان طلب از کاروان بیرون میا |

(۴۸)

پیام شاعر در کدام بیت متفاوت است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) گر شعرها گفتند پر، پر به بود دریا ز دُر | کز ذوق عشق آخر شتر خوش می کشد ترحالها |
| ۲) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب | گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری |
| ۳) شتر را چو شور و طرب در سر است | اگر آدمی را نباشد خر است |
| ۴) شتر چون مست می گردد دهانش از علف بندد | اگر مست خدایی تو چرا حرص تو با خار است |

(۴۹)

مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) در کشاکش از زبان آتشین بودم چو شمع | تا نپیوستم به خاموشی نیاسودم چو شمع |
| ۲) دهان مور را پر خاک دارد بی‌زبانی‌ها | مرا تیغ زبان چون مار بی‌زنهار بایستی |
| ۳) رفت در کار سخن عمر گرامی صائب | جز پشیمانی ازین کار چه حاصل کردیم |
| ۴) بارها از سخن خویش به چاه افتادم | هم‌چو یوسف صد ازین واقعه افتاد مرا |

(۵۰)

کدام دو بیت با یکدیگر قرابت مفهومی دارند؟

- | | |
|---|---|
| ۱) دی عزم دل برداشتن کردم، غمش گفت: اوحدی | نتوان که دل زو برکنی، تن در ده و جانی بکن |
| ۲) از پس صد پرده می‌تابد فروغ راز عشق | سرمه نتواند گرفتن راه بر آواز عشق |
| ۳) تو شیشه‌دل، ندهی تن به سختی ایام | وگر نه لعل ز کوه و کمر شود پیدا |
| ۴) قدم در نه به صدق دل اگر در عشق یکرنگی | که راه کعبه را مؤمن به صدق دل توان رفتن |
| ۵) دوستان عیب کنندم که برآرم دم عشق | عود اگر دم نزند خانه معطر نشود |
| ۶) تا نسوزد بر نیاید بوی عود | پخته داند کاین سخن با خام نیست |
| ۷) سخن پاک بود در طلب سینه پاک | که گهر در صدف پاک گهر می‌گردد |
| ۸) حدیث عشق سزاوار گوش زاهد نیست | زالال آب گهر در دهان مار مریز |

(۵۱)

مفهوم همه گزینه‌ها در مقابل ابیات درست است، به‌جز گزینه

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد | هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد (سیری ناپذیری عشق) |
| ۲) عیار بد گهر از صحبت نیکان نیفزاید | گره بر دل نجسبد گرچه پهلوی گهر باشد (عدم تاثیرپذیری) |
| ۳) زاهد ار راه به رندی نبرد معذور است | عشق کاری است که موقوف هدایت باشد (تقابل عقل و عشق) |
| ۴) چوگان مشو که از تو خورد زخم بر دلی | تا همچو گوی بی‌سر و پا می‌توان شدن (پرهیز از آزار خلق) |

۵۲

کدام دو بیت با هم تناسب مفهومی دقیق دارند؟

الف) به خاک پای تو کز دامن تو دست ندارم

ب) ندارم دامن مهرت ز دست دل رها کردن

ج) تا عشق تو رها نکند جان من ز دست

د) آن‌ها که تن به مهر سپارند و دل به عشق

۱) الف، ب

۲) الف، ج

وگر ز قالب پوسیده کوزه‌سازی و خشتم

مگر روزی که دور از تو اجل گیرد گریبانم

من کی کنم ز دست سر زلف تو رها

زین‌ها مگر به مرگ بود باز رستشان

۳) د، ج

۴) د، ب

۵۳

مفهوم همه ابیات به‌جز گزینه ... یکسان است.

۱) از دست کشاکش من وز چرخ پرآتش من

چون چنبره گردون

۲) بی‌خود در این چمن نکشم ناله‌های زار

فلک آشیان من

۳) ز رنج یاران نالم نه دشمنان که مرا

خذلان بود

۴) من از جور و جفای چرخ کج رفتار می‌نالم

مردم بیمار می‌نالم

می‌گردم و می‌نالم

آن طایرم که سوخت

همیشه زانان دل در شکنج

نه بیمارم ولی چون

۵۴

مفهوم ابیات همه گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز:

۱) آسمان بدمهر و ما لب‌تشنه و گیتی سراب

خراب

۲) با طبع ملولت چه کند دل که نسازد

۳) کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز

۴) در بحر شوق کشتی صبرم ز سیر ماند

گر نگیری دست امیدم، زهی حال

شرطه همه وقتی نبود لایق کشتی

باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

کو باد شرطه تا که به منزل کند قرار

مفهوم کدام بیت از عبارت زیر یافت می‌شود؟

«چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلایق است و قدر آیام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان مبتلا گشته‌اند.»

- | | |
|---|--|
| <p>به درد دل خلق، خود را مسوز
وجود بی‌تکلف بی‌نیاز است
که چشمت فرو دوزد از عیب خویش
یا برای راحت جان خودت</p> | <p>۱) منه دل بدین دولت پنج روز
۲) گران باری ز بار حرص و آز است
۳) منه عیب خلق ای خردمند پیش
۴) خیر کن با خلق بهر ایزدت</p> |
|---|--|

عبارت کدام گزینه با بیت آن تناسب مفهومی ندارد؟

از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت.

- | | |
|--|--|
| <p>هر آن گاهی که باشد مرد
مکن اندیشه فردا و قدح نوش
مروت نبینم رهایی ز
مورچگان را چو بود اتفاق</p> | <p>۱) هشیار
ز سوراخی دو بارش کی گزد مار؟
در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته.
۲) امروز
کان که عاقل بود اندیشه فردا نکند
چنان باید که همگنان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند.
۳) بند
به تنها و یارانم اندر کمند
جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است.
۴) شیر ژبان را بدراند پوست</p> |
|--|--|

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|--|---|
| <p>عید این طایفه روزی است که محشر باشد
فارغ ز فکر و روز حسابم کند، کجاست
در غم و اندیشه روز حساب افتاده را
همیشه روز حساب است دشماران را</p> | <p>۱) خود حسابان نگذارند به فردا کاری
۲) دریادلی که از قدح بی‌شمار می
۳) بر نمی‌آید نفس نشمرده «صائب» از جگر
۴) مرا چو صبح ز روز جزا مترسانید</p> |
|--|---|

(۵۸)

مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

خنده بر بی‌اثری‌های نمکدان زده‌ای
 لب خندان بیاور چون لب جام
 مرا، چو لاله بود داغ بر جگر بی تو
 مرهم از خنده لعل نمکین خوش‌تر نیست

(۱) فرصتم باد که مرهم نه زخم جگر است
 (۲) اگر خونین دلی از جور ایام
 (۳) تو را، چو غنچه بود خنده بر دهان بی من
 (۴) خنده کن که زخم دل خونین مرا

(۵۹)

مفهوم کدام ابیات یکسان است؟

که مغز از چرب‌نرمی عمرها با استخوان سازد
 کی بود از خاکساران، گرچه دام افتد به خاک

(الف) به نرمی خصم بدگوهر حصار عافیت گردد
 (ب) هست از دشمن تواضع ریشه مکر و فریب

می‌کنم هر چند با مردم مدارا بیشتر
 ملایمت ز چه با روزگار باید کرد؟

(ج) چون زمین نرم از من گرد برمی‌آورند
 (د) چو خصم سفله ز نرمی درشت می‌گردد

(۴) ب، د ج الف، ج

(۱) د، الف (۲) ج، د

(۶۰)

مفهوم همه ابیات یکسان است، به‌جز:

پابسته تقلید و سراسر گمراه
 هست صورت یک ولی معنی جداست
 هر دو را بر مکر پندارد اساس
 میوه هر یک بود نوع دگر

(۱) بعضی نه ز باطن و نه ظاهر آگاه
 (۲) از مقلد تا محقق فرق‌هاست
 (۳) سحر را با معجزه کرده قیاس
 (۴) برگ‌ها هم‌رنگ باشد در نظر

(۶۱)

مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات متفاوت است؟

کی میرد آن که خدمت مردم شعار کرد
 حاصل رضای حضرت پروردگار کرد
 هست از همه گریز و ز الله ناگزیر
 آن که از خدمت مخلوق نشانی دارد

(۱) با نام نیک زنده بود خیرخواه خلق
 (۲) پرورد بهر خدمت خلق آن که خویش را
 (۳) آگه شدم که خدمت مخلوق هیچ نیست
 (۴) گفتم آمرزش خالق به که ارزانی؟ گفت

۶۲

مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) نام دژخیم وطن، دل بشنود خون می کند
 ۲) خاک لیلای وطن را جان شیرین بر سر افشان
 ۳) یک نفس گر قرب من می بایدت
 ۴) جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن
- پس بدین خونخوار، اگر شد روبه رو چون می کند
 خسروان عشق درس عبرت از مجنون گرفتند
 در میان خون وطن می بایدت
 بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

۶۳

بیت «چون شود یاقوت لؤلؤ پرورت گوهرفشان / آب گردد از حیا هر گوهر کانی که هست» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) سیلاب سرشک است که هنگام عزیمت پیش ره یاران وفادار بگیرد
 ۲) در پیش لب ز شرم بگداخت هر شیرینی که آن شکر داشت
 ۳) طوطی چو سخن گویی پیش شکر میبرد طوبی چو روان گردی بر رهگذرت میرد
 ۴) هر آن متاع که از بحر و کان شود حاصل به فکر کردن سود و زیان نمی آرزد

۶۴

در همه گزینه‌ها، به جز گزینه ... هر دو بیت مفهوم یکسانی دارند.

- ۱) نظر به عاقبت حرف کن دهن بگشا نشان ندیده منه تیر در کمان زنهار
 اگرچه صدق به خون شست صبح را رخسار میار جز سخن راست بر زبان زنهار
- ۲) فلک ای دوست به شطرنج همی ماند گه زمانیت کند مات و گهی فرزین
 ولیکن چنین است گردنده دهر گهی نوش یابند از او گاه زهر
- ۳) وحشی فرصت چو تیر از شست بیرون جسته است تا تو زه می سازی ای غافل کمان خویش را
 تا کمر بستم غبار از کاروان بر جا نبود از کمین تا سر بر آوردم، شکار از دست رفت
- ۴) چنین است گردیدن روزگار سبک سیر و بدعهد و ناپایدار
 منه بر جهان دل که بیگانه ای است چو مطرب که هر روز در خانه ای است

۶۵

مفهوم بیت زیر با کدام بیت متناسب نیست؟

- هیچ نقاشی نمی بیند که نقشی بر کند وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده ای
- ۱) سرگشته به بر و بحر گردند اندر طلب تو کاروانها
 ۲) ای لال ز وصف تو زبانها کوتاه ز ثنای تو بیانها
 ۳) در عالم عشق سیر کردیم دیدیم یکان یکان نشانها
 ۴) به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را

۶۶

از کدام بیت، مفهوم بیت زیر استنباط می شود؟

گرچه شام و سحر شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد»

- ۱) گریه دل‌های شب آینه ام را صاف کرد
 - ۲) مرا چون اشک هر سو میدواند چشم پرکاری
 - ۳) گریه مستانه ننگشود از رگ جانم گره
 - ۴) بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو
- نور بینش همچو شمع از چشم گریان یافتم
که هر مژگان او در عالم دیگر کند بازی
تاک را در گریه کردن عقده از دل وا نشد
کجا دیدی که بی آتش کسی را بوی عود آید

۶۷

عبارت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.»

- ۱) صبح خندان محبت به فروغی گریان
 - ۲) نقطه عشق که از کلک محبت بچکید
 - ۳) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
 - ۴) کلک نقاش ازل کز ابدیت دم زد
- اشک بارید و به گل های خزان شبم زد
دل آدم شد و از عشق و محبت دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
از بر لوح عدم نقش همه عالم زد

۶۸

کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی ندارد؟

وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد ز خود مردانه ای است»

- ۱) هر که در قید خودی ماند زمین گیر بود
 - ۲) عمر اگر باشد ز قید تن رها خواهم شدن
 - ۳) سوخت تا پروانه واصل شد تو هم از بال و پر
 - ۴) چو از شمعی رسد پروانه را نور
- هر که بیرون رود از خود همه جا می باشد
بی گره چون موجه آب بقا خواهم شدن
باز کن آغوش رغبت در هوای سوختن
در آید پرنان پروانه از دور

۶۹

کدام بیت «فاقد» مفهوم عبارت زیر است؟

«تا با خاک انس نگیری، راهی به مراتب قرب نداری.»

- ۱) غبار دامن صحرای خاکساری شو
 - ۲) به خاکساری ما صرفه نیست خندیدن
 - ۳) قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن
 - ۴) شده است گرد ز افتادگی سوار بر باد
- که تاج رفعت از این رهگذر توانی یافت
مکن به جام سفالین شراب بیغش را
از کنار ابر تا دریا تنزل بایدش
نشسته است ز گردن کشی نشان در خاک

کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«هر دو گون زنبور خوردند از محل

لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عسل»

۱) نه میر و شه بود هر کاو کمر بندد کله دارد

۲) نه هر که دارد شمشیر حرب باید ساخت

۳) نه چون موسی بود هر کس که عمرانش پدر باشد

۴) به جز شکردهنی نکته هاست خوبی را

که میر و شه کسی باشد که عالم را نگه دارد

نه هر که دارد پازهر زهر باید خورد

نه چون عیسی بود هر کس که باشد مادرش مریم

به خاتمی نتوان دم زد از سلیمانی